

غزل شماره ۶۲

مرجای یک مشتاقان بده پیغامِ دوست
تا کنم جان از سرِ رغبت فدای نامِ دوست

واله و شیدا است دایم همچو بلبل در قفس
طوطی طبعم ز عشقِ شکر و بادامِ دوست

زلفِ او دام است و خالِش دانه آن دام و من
بر امید دانه ای افتاده ام در دامِ دوست

سر ز مستی بر نکیر دتابه صبحِ روزِ شتر
هر که چون من در ازل یک جرعه خورد از جامِ دوست

بس نگویم شمه‌ای از شرحِ شوقِ خود از آنک
درد سر باشد نمودن بیش از این ابرامِ دوست

کر دهد دستم کشم در دیده همچون توتیا
خاکِ راهی که آن مشرف گردد از اقدامِ دوست

میل من سوی وصال و قصد او سویِ فراق
ترکِ کامِ خود گر قسم تا بر آید کامِ دوست

حافظ اندر دردِ او می سوز و بی درمان بساز
زان که درمانی ندارد دردِ بی آرام دوست

تفسیر فال

در کمک و خدمت به دیگران، شما از هیچ چیز دریغ نمی‌ورزید و همیشه آماده‌اید تا در راه یاری رساندن به دیگران، حتی جان خود را نیز فدای دوستانتان کنید. این ویژگی نیکو و باارزش نشان‌دهنده‌ی نوع دوستی عمیق شماست که در دنیای امروز کمتر یافت می‌شود. اما باید توجه داشته باشید که انتظاراتی که از دوستان خود دارید ممکن است برآورده نشود؛ چرا که این خصیصه‌ی منحصر به فرد فقط متعلق به شماست و هر فردی دارای ویژگی‌ها و رفتارهای خاص خود است. بنابراین، بهتر است کمی هم برای دل خودتان اهمیت قائل شوید و زمانی را صرف فکر کردن به نیازها و دردهای شخصی‌تان کنید. این امر نه تنها به شما کمک می‌کند تا آرامش بیشتری پیدا کنید، بلکه می‌تواند کیفیت روابط شما را نیز ارتقاء دهد. با ایجاد تعادل میان خدمت به دیگران و توجه به نیازهای خود، می‌توانید زندگی پربارتری را تجربه کنید.

به کوشش : پارسی دی

منبع تفسیرها: آلامتو و سلام دنیا